

بک کارشناس روند و آینده پژوهی در بنیاد ملی بازی های رایانه ای می گوید بررسی میانگین سنی بازیکنان در سال های اخیر نشان از افزایش این شاخص بین بازیکنان ایرانی دارد. مهشید شهیدی در گفت وگو با مهر گفت: گزارش «تفکیک بازیکنان ایرانی» برای نخستین بار در ایران منتشر شده است. در این پژوهش توزیع جغرافیایی بازیکنان نشان داد که بازیکنان مرکزتئین بیشترین فراوانی جغرافیایی را به خود

افزایش میانگین سنی بازیکنان گیم در ایران



بیخ سرزمین مادری

بیخ سرزمین مادری

بیخ سرزمین مادری

امیدوارم این طور باشد.

۵) تلمات آن توقیف، برای شما چه بود؟ شنیده ام که با شما تماس می گرفتند و مطرح می کردند بحث اصلا شما و تولید نیست و اصل دعوا جای دیگری است...

بله این طور موارد وجود داشت اما کار در بحبوحه ای به تعطیلی کشیده شد که من از نظر اجرا هزار و یک مسأله و مشکل داشتم و فقط به این فکر می کردم کار را چطور به سمتی پیش ببرم که بتوان آن را جمع کرد. چون فصل دوم پلانکلیف روی دستم مانده بود. بعد از رفت وامدها و گفت وگوهای بسیاری که صورت گرفت، مدیران وقت توافق کردند که در مدت دو سه ماه، کار را به سرانجام برسانیم و بتوانم این بخش را جمع کنم. وقتی بخش های باقیمانده را جمع کردم، باز کار تعطیل ماند تا سال ۱۳۹۴ که دوباره مدیران تغییر کردند و آقایان پورمحمدی و تشدید آمدند؛ چون فصل سوم هم روی زمین مانده بود، گفتند بیا باید و این فصل را دست بگیرید. تقریباً من فصل سوم را اوایل سال ۱۳۹۵ کالید زدم.

۶) اجازه بدید به اصل ماجرای تولید و کیفیت کار بپردازیم. این حجم ساخت وساز در مفرهای استقرار هر فصل، در آن دوران منطقی بود. چون استفاده از جلوه های میدانی و سینمایی مثل امروز رشد نکرده بود و آن گونه کار توجیه داشت. درباره این بخش کار بگویید چون خیلی از آثار تاریخی می تواند براساس این الگو پیش برود؛ مثل کاری که علی حاتمی در ساخت شهرک سینمایی غزالی هزارستان انجام داد و سال های بعد مجموعه های مختلفی از آن بهره بردند. براین بگویید که چطور اتفاق افتاد؟

بحث محتوا زحمات شخص علیرضا طالب زاده بود. در بخش اجرا تا توانستم تلاش کردم درست عمل کنم. آقای تبریزی هم بی نهایت خوب عمل کرد و زحماتی را که دیگران متحمل شده بودند، قدر دانستند تا سوخت نشود. وقتی کار را از خانه جواد اردکانی شروع کردم، خانه ای در حسن آباد بود که به عنوان لوکیشن، شروع به بازسازی و چیدمان کردم. تقریباً در طول پروژه هر سه فاز چیزی حدود ۱۸۴ لوکیشن داشتیم، به

اختصاص داده اند و کمترین تعداد بازیکنان مربوط به مناطق روستائین بوده که در مجموع به دلیل جمعیت کمتر این مناطق امری بدیهی به نظر می رسد. شهیدی در ادامه گفت: پژوهش انجام شده نشان می دهد بازیکنان مرد جمعیتی بالغ بر ۲۰ میلیون و بازیکنان زن جمعیتی برابر با ۱۴ میلیون را به خود اختصاص داده اند. بررسی میانگین سنی بازیکنان در سال های اخیر نشان از افزایش این شاخص بین بازیکنان

۵) این سؤال را از این جهت پرسیدم که برای مخاطب سؤال می شود که این حجم از وسیله هم هزینه بر است و هم این که مشخص نیست بعد از سریال چه خواهد شد. خاطرم هست که اوایل دهه ۸۰ در سینما فیلم پیشنهاد کردم انبارهای تخصصی ایجاد شود که با روش شیمیائی های جهانی، از این محصولات برای آثار بعدی استفاده شود اما دلایل غیرقابل قبولی مطرح شد مثل همان مستهلک شدن و دور ریختن. البته این طور نیست چون نگهداری می شود. ولی این را هم بگویید که عاقبت این وسیله ها چه می شود؟

بخش اعظمی از کار را اجاره می کنیم. بخشی از آنها خریداری می شود. در این پروژه چون ضبط در میدان بهارستان را داشتیم، همه چیز را آنجا مستقر کردیم؛ از خیاط خانه تا انبار آکسسوار و صحنه و لباس. این که می گفتید برخی دوستان به مستهلک شدن آن اشاره می کردند، همین طور هم است. چون مرور زمان به آن وسایل می خورد و طبیعتاً از بین می رود. اگر خود پروژه هم بخواهد نگه دارد، نیاز به هزینه دارد. تا زمانی که ضبط بود، این انبارها را در میدان بهارستان داشتیم و آکسسوار را تا جایی که احساس کردم نیاز است نگه داشتم. در نهایت همه را از خودرو تا دیگر وسیله ها و حتی لباس ها که چند دراست دست لباس را شامل می شد به شهرک غزالی دادم. چون در فیلم ها لباس بازیگران اصلی دوخته می شد. اینها را جمع آوری و شسته رفته تحویل شهرک دادم.

۶) این دقت نظر معمولاً چشم اسفندیار» آثار تاریخی ایرانی است که به جزئیات توجه نمی کنند. آیا این امر محصول نگاه شما بود و چه بخشی از آن محصول نگاه آقای تبریزی بود؟

نه، این نگاه، نگاه کارگردان بود. کمال تبریزی تمام سعی و تلاشش بود و کوتاه نمی آمد. می خواست همه چیز در بهترین شکل خود انجام شود. من هم وظیفه خودم می دانستم که خواسته های او را تأمین کنم تا کوتاهی صورت نگیرد.

۷) اتفاق دیگر در جذب بازیگران است. بسیاری از این بازیگران در تلویزیون نبودند یا سال ها قبل تر حضور داشتند. این انتخاب ها چطور شکل گرفته بود؟

ما در فصل یک، وقتی کار را شروع کردیم، متن را که به دوستان بازیگر نشان می دادیم، بیشترشان دوست داشتند و می خواستند کار کنند. چون متن آن قدر خوب نوشته شده بود که تقریباً همه شیفته آن می شدند. مثلاً در فاز یک میترآ حجار یا بیتا فرهی یا آقای پژمان بازغی و دیگران وقتی دعوت به کار شدند و متن را خواندند و حضور آقای تبریزی را هم می دیدند، همگی با اتفاق نسبت به حضور در پروژه علاقه مند می شدند. این اتفاق در فصل دوم هم افتاد و آقای شهاب حسینی آمد و کار را مطالعه کرد و با آقای تبریزی صحبت کرد. در نهایت کار را پذیرفت. خانم تبکی کریمی و آقای محمدرضا فروتن و دیگر دوستانی که در فصل دوم بودند هم به همین شکل دعوت به کار شدند، نقش را خواندند و آن را دوست داشتند.

۸) برای فصل دوم این طور پیش آمد که بخواهید فصل قبل را نشان دهید تا ترغیب شود؟

بله. به خصوص آقای شهاب حسینی می خواست کار علی شادمان را ببیند. **۹) جلدی سریال، علی شادمان بود.**

دقیقاً علی شادمان فوق العاده بود. باسن کم اما آگاهی بالا بحضور داشت. با داشتن یک خانواده فرهیخته، وقتی پا به این پروژه گذاشت، برای ما مثل معجزه بود. چون شاید اگر علی نبود به مشکلات زیادی برخورد می کردیم اما او پا به پای بزرگ ترها می آمد. ما صحنه های بسیار سخت و دشواری در شهرک غزالی داشتیم. علی شادمان در سرمای وحشتناک زمستان شهرک غزالی همراه ما بود و شور و حالی که داشت، از دیگران بیشتر بود. به هر حال در برخی مواقع بزرگ ترها خسته می شدند، شب و نصف شب بود. ما در شهرک باز زمانی زمستان را در زمستان می گرفتیم و علی شادمان با همان سنی که داشت طاقت می آورد.

۱۰) نکته این که به دلیل طولانی شدن تصویربرداری، اورشد کرده بود. حاشیه هایی هم داشت که گفته می شد برای حفظ ظاهرش، تزئین هایی صورت گرفته است. این حاشیه ها چقدر واقعیت داشت؟ کاملاً واقعی بود. علی شادمان در سن ورود به بلوغ بود و این اتفاق به هر حال می افتاد. صدایش دورگه می شد و باید برایش فکری می کردیم. پدرش از قبل به این موضوع فکر کرده بود و تحت اجبار انجام کاری نبود. علی شادمان کم کم پشت لیش سبز می شد و پدرش می دانست که در طول یک سالی که از تصویربرداری باقی مانده، باید فکری برای این اتفاق کند. خودشان خود خواسته با پزشکی مشورت کرده بودند. ظاهراً

ایرانی دارد تا جایی که این عدد از ۱۶ سال در سال ۱۳۸۹ به ۲۳ سال در نتایج آخرین پیمایش ۱۴۰۰ افزایش یافته است. بررسی ها اما به تفکیک نشان می دهد، هرچه میزان درگیری و غوطه وری بین بازیکنان افزایش می یابد، میانگین سنی آنها نیز کاهش پیدا می کند، به گونه ای که در بین بازیکنان حرفه ای این عدد به ۲۱ رسیده که نشان از فراغت و صرف زمان بیشتر در حوزه بازی های دیجیتال است.



آمیول های هورمونی برای جلوگیری از رشد را مصرف می کرد. به هر حال خودشان فکرش را کرده بودند و زمانی که کار می کرد به شدت از این نظر تحت فشار بود. اما به هر حال این کار را انجام داد و کمک قابل توجهی به این پروژه کرد. با توجه به این که در طول روایت این شخصیت، تغییر گریم داشتیم، گاهی با گریم سن را تغییر می دادیم. اما مشکل این بود که گاهی او را در سن بزرگ و گاهی کوچک نیاز داشتیم و نمی شد این روند رشد طی شود. ما مشکلات تولید بزرگتری هم داشتیم و پدر علی که به این مسأله واقف بود کاری کرد که کمک قابل توجهی بود. برای همین می گویم حضور علی برای ما مثل یک معجزه بود.

۱۱) ما در سریال همین را حس می کنیم یعنی همه عناصر این سریال را فرصت حرفه ای می بینند. چیزی که تقریباً در تولیدات فراموش شده یعنی به آثار به چشم فرصت و شغل نگاه می کنند. نه یک گام بلند در حوزه حرفه ای کار خود. علی شادمان معیار این اتفاق است یعنی همیشه این روحیه را دارد. بازی زيرکانه اش گاهی در یک نگاه نقش را آن قدر عمق می بخشد که مخاطب تعجب می کند. مهم ترینش، لکنتی است که در سکانس پر تعلیق ایفا می کند که برای بسیاری از ما که با تعلیق سینما غافلگیر نمی شویم هم دیدنی است. در طول قصه با مدیریتتی که خود علی شادمان و شهاب حسینی داشتند، معیاری در این حوزه خلق می کنید که به درد بازی می خورد. این کیفیت باید به یک معیار تبدیل شده و در تولیدات ترویج شود.

به نظرم اتفاق قابل توجه در سرزمین مادری این بود که همه اعضای گروه عاشقانه کار می کردند. یعنی واقعا چیزی به نام خستگی وجود نداشت و از کسی شکایتی نشنیدم تا سوء تفاهمی بین اعضای گروه شود. همه

به اتفاق می گفتند خوشحالند که برای این کار آفیش می شوند، من به شخصه از نظر عوامل اذیت نشدم؛ چه جلوی دوربین و چه پشت دوربین. به جرات می توانم بگویم آقای تبریزی هم همین طور بودند. بازیگرانی هم که می آمدند، عشق و علاقه وافری به گروه داشتند. مثلاً خانم بیتا فرهی قرارداد چهار ماهه داشتند که قرار بود این زمان را بپراکنده جلوی دوربین باشند. با شرایطی پیش آمد که آقای بازغی سر یک کار بودند و نمی توانستند سر موقع حاضر باشند. پس مجبور شدیم بازی ایشان را رج بزنیم. یک روز خانم فرهی آمدند و گفتند حس و حال هر روز آفیش شدن را ندارند و قرار بوده در طول چهار ماه بگیریم. شرایط ما را به ایشان گفتم و خیلی راحت پذیرفت. گفتم چه یک ماه کار کنید چه چهار ماه، برای من فرقی ندارد و قرارداد پرداخت دستمزد چهار ماه پابرجاست. این موضوع برای دیگران به دفعات روی داد و همه همکاری می کردند پروژه درست شکل بگیرد. در مجموع کار سنگین بود. در فصل یک در میدان بهارستان دیدید که چطور بود. ما در میدان بهارستان حجم آکسسواری که باید در میدان قرار می گرفت، از گازی و اتوبوس تا هنروران، کمتر از ۴۰۰ هنرور در میدان نداشتیم. یعنی به طور معمول روزی ۴۰۰ نفر هنرور داشتیم. باز هم در جایی که بهارستان شلوغ و تاکن هم بود گاهی تا ۳۰۰۰ هنرور وسط میدان می ریختیم تا بتوانیم صحنه را بگیریم. یاد در صحنه بیرون آوردن مصدق روی کول مردم، حدود ۸۰۰ نفر هنرور داشت. جمع کردن آنها و برنامه دادن به آنها، خودش کلی ماجرا داشت. به همت همین دوستان از بازیگران تا هنروران، این اتفاق مثبت را توانستیم به موقع و به جا شکل دهیم.

۱۲) این خودش از معیارهاست. یعنی ما بعد از سال ها سریالی را مشاهده می کنیم که معیارهای کلاسیک را کنار زده است. شاید این برای مخاطب خیلی مفهوم نداشته باشد که تا ۳۰۰۰ هنرور در برخی قسمت ها حاضر بودند. در واقع حضور ۳۰۰۰ نفر در نمایش یک لشکر رزمی که همه یک نوع لباس می پوشند، یک مدل است و در لوکیشن و جغرافیای شهری، مدلی دیگر. چون باید تنوع پوشش و رفتار را نشان دهیم که قطعاً دوقار است. با توجه به این که تولید ما صنعتی نیست، کار پیچیده ای است. شاید این کار در کمپانی های هالیوود و بالیوود کار سختی نباشد اما در تولید ایران کار پیچیده ای است. یک بخشی را با توجه به دشواری های پروژه می خواهم پیروم آیا زمانی بود که از تولید پشتیبان شوید؟ به هر حال وقتی سازمان پشت کار ایستاده و کار پیش می رود به این معناست که مدیران در آن مقطع می دانستند کار مهمی در حال تولید است و قرار است به یک کار تراز در تولید تبدیل شود. اما در خود تولید، پیش آمده بود که از انجام کار پشتیبان شوید؟

بله در مقطعی خیلی تحت فشار بودم و حتی به مدیر وقت آقای تشدید مراجعه کردم و این ماجرا را با ایشان در میان گذاشتم و گفتم آن قدر از این شرایط خسته ام که نمی خواهم ادامه دهم. همان طور که شما اشاره کردید، شرایط تولید فیلم و سریال در ایران کاملاً سنتی است.



به نظرم اتفاق قابل توجه در سرزمین مادری این بود که همه اعضای گروه عاشقانه کار می کردند. یعنی واقعا چیزی به نام خستگی وجود نداشت

جام پلاس

J A M P L U S

دوشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۳ شماره ۶۸۱۶

داده نما



۱ کار را از خانه اردکانی کلید زدیم، بعد خانه ناصر قصاب و بعد خانه اقدس الملوک را گرفتیم و نهایت در این خانه مستقر شدیم

۲ واقعا این تصور را نداشتیم که ممکن است برخی مسائل باعث سوء تفاهم شود، چون شخصیت رهی اردکانی را منفی ندیدیم

۳ با همت پیمان جلی، این سریال پخش شد و دیدید که نکته ویژه ای در آن نبود که بخواهد باعث آن همه سرو صدا شود

۴ علی شادمان فوق العاده بود. با سن کم اما آگاهی بالا و وقتی پا به این پروژه گذاشت، برای ما مثل معجزه بود

۵ در سریال «سرزمین مادری» همه اعضای گروه و عوامل فیلم عاشقانه کار می کردند.

۶ از نظر من تولید فصل های یک و ۲ و ۳ حدود سه سال زمان نیاز داشت و بقیه آن حاشیه بود. یعنی ۱۲ سال از دست رفت

۷ کمال تبریزی شمع فروزان گروه تولید و بسیار کوشا و موثر بود

۸ وقتی پروژه ای را به سازمان پیشنهاد می دهم یعنی کمر به ساخت کارهای سخت بسته ام و عقب نشینی نخواهم کرد

۹ در مسیر ساخت این سریال به خودم و خانواده ام آسیب های زیادی وارد شد که انگار هیچ کس به این موضوع توجه نمی کند

۱۰ در کنار داوود میرباقری، کیانوش عیاری، داریوش فرهنگ، کمال تبریزی و اکبر خواجویی آموختم کارم را درست انجام دهم



متن کامل



ویدئو کامل



گزیده ویدئویی

نماهنگ

انتشار گسترده

آثار عاشورایی حسن روح الامین

حسن روح الامین، هنرمند نقاش متعهد به روال هر سال که آثار عاشورایی خود را برای استفاده هیات ها و مراسم مذهبی به اشتراک می گذارد امسال اما مرکز حفظ و نشر آثار حسن روح الامین با انتشار اطلاعیه ای، استفاده حداکثری آثار عاشورایی و معرفی اش برای استفاده در سطح شهر و مراسم مذهبی خبر داد. بر این اساس، تمامی آثار روح الامین به صورت فایل با کیفیت داخل کانال تلگرام و پیام رسان های داخلی قرار می گیرند. در این اطلاعیه تاکید شده: به اطلاع می رساند که چاپ و استفاده از کارهای حسن روح الامین برای علاقه مندان به حضرت سیدالشهدا (ع) با مانع است، لکن استفاده از آثار با لوگوی سازمان ها، ارگان ها و... مورد رضایت ایشان نیست.



ادبیات

معرفی برگزیدگان جایزه

کتاب سال شعر «خبرنگاران»

مراسم پایانی هجدهمین دوره جایزه کتاب سال شعر ایران به انتخاب خبرنگاران شامگاه شنبه برگزار شد. در این مراسم، برگزیدگان جایزه شعر خبرنگاران به این شرح معرفی شدند: بخش یک عمر دستاورد شعری: سید فاطمه موسوی (شرابسالگی) و نیما معماریان (خودآزادی)؛ برگزیده (مهی) در حال پاک کردن آینده)، اثر صابر سعدی پور. بخش ویژه شاعران بدون کتاب: اول؛ راضیه اسماعیلی از اصفهان، دوم مشترک؛ مهدیه رشیدی از بابل، سوملار نعمتی از اردبیل و فارد قربانی از مشهد و سوم؛ مجتبی هوشیار محبوب از کرج. بخش جنبی پژوهش درباره شعر؛ مقاله پژوهشی؛ مقاله «وجود و وجوب زنانگی در شعر» از سارا ناصر نصیر، شایسته سیاست و کتاب پژوهشی؛ کتاب «عصیان ریشه دار/ بررسی سبک شناسانه شعر معاصر زنان» از گلانه هنری، شایسته سپاس.



بحرانی در نمایش

«زنده به گور»

نمایش «زنده به گور» با داراماتوزی مهناز خطیبی و کارگردانی مریم ایرانمنش از آثار برگزیده نوزدهمین جشنواره بین المللی تهران- مبارک تا ۲۴ مرداد از ساعت ۲۱ در سالن استاد انتظامی خانه هنرمندان ایران روی صحنه خواهد بود. در این اثر نمایشی، محمد بحرانی بازیگر و هنرمند نمایش عروسکی به عنوان صداییشه و مهناز خطیبی و مریم ایرانمنش بازی دهندگان عروسک این اثر عروسکی هستند. در خلاصه این اثر نمایشی آمده است: «نویسنده از روزمرگی زندگی خسته و کلافه شده و برای رهایی تصمیم می گیرد روش های عجیبی را امتحان کند.»

این نمایش در نوزدهمین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک در این چند رشته برگزیده و مورد تقدیر قرار گرفت که به شرح زیر است: بهترین صداییشه (برگزیده)، بهترین بازی دهنده (تقدیر)، بهترین طراحی صحنه (تقدیر)، بهترین کارگردانی (نامزد)، بهترین نمایش (نامزد)، بهترین ساخت عروسک (نامزد).

